

ج ۱ :

عالم به زمان کسی است که : ۱- بداند در چه موقعیتی از تاریخ زندگی می کند ۲- جامعۀ کنونی چه مراحل از تحولات را طی کرده ۳- چه نیروها و جریانهایی در این جامعه نقش ایفا می کنند. ۴- صف بندیهای مقابل او چیست ۵- انگیزه های جریانهای موافق یا مخالف با او کدام است ۶- طرحهایی که این انگیزه ها به وسیله آنها تحقق پیدا میکند، چیست ج ۲:

ارائه الگو و مدلی برای گونه شناسی جریانهای فکری است.

ج ۳:

۱- امکان طبقه بندی و مقایسه اندیشمندان و فهم دقیقتر آنان ۲- مشخص کردن جایگاه نظری و عملی جریانهای، در میان سایر جریانهای یا در نسبت با آنها ۳- تعیین نسبت جریانهای با دین اسلام، انقلاب اسلامی و غرب در ابعاد و سطوح مختلف ۴- توجه به گستره مکانی و دوره زمانی جریانهای ۵- هشدار نسبت به وضعیت فعلی و آینده براساس نگاه به گذشته و تاریخ ۶- امکان داوری میان جریانهای و گزینش منطقی و عضویت آگاهانه در آنها ج ۴:

یعنی آن دسته از باورهایی که مربوط به عرصۀ عمل است، در علم فقه مورد بررسی قرار می گیرند ج ۵:

سیاست منفی عبارت است از ترک هرگونه همکاری با حکومت ظلم
سیاست مثبت مربوط به زمانی است که به رغم نامشروع بودن حکومت، زمینه عمل فعال اجتماعی برای پیگیری مصالح مسلمین و رفع نیازهای ضروری جامعه اسلامی وجود داشته باشد ج ۶:

شیعیان نمیتوانند به قاضیانی مراجعه کنند که از سوی حاکمان غیر الهی در جامعه منصوب شده باشند ج ۷:

کناره گیری از مبارزه یا همکاری موردی که در راستای مبارزه مستمر شیعه با نظام جور صورت می گرفت تقیه نامیده می شود. ج ۸:

مسائل اعتقادی، به سرعت در جامعه فراگیر نمی شود و حرکتی تدریجی دارد زیرا هم به آموزش و تفکر و هم ترویج در عرصه جامعه نیازمند است. اما حرکت سیاسی از سرعت زیادی برخوردار است و می تواند به سرعت منطقۀ جغرافیایی وسیعی را تحت کنترل خود درآورد ج ۹:

ایل نام طایفه یا قبیله ای از مردم است که در نژاد و مذهب اشتراک دارند و در سرزمینی مشخص زندگی می کنند.
روابط قدرت در ایل مبتنی بر روابط خونی و نسبی با رهبری شخصی معین است. این شکل از قدرت سیاسی را استبداد ایل می نامیم

ج ۱۰:

خیر - اصولیها و اخباریها هر دو اصول عقایدی مشترک و فروع دینی واحد دارند. تنها اختلاف میان آنها در روش علمی و چگونگی استنباط احکام شرعی از متون دینی است گرچه این اختلافات ریشه‌های کلامی دارد و متأثر از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی است.

ج ۱۱:

۱- انسان محوری در مقابل خدا محوری: بدین معنا که انسان در این جهان تحت هیچ حاکمیتی جز قوانین طبیعی قرار ندارد و خواست و اراده او بر همه چیز دیگر مقدم است.

۲- جدایی دین از سیاست: بدین معنا که دین فقط مربوط به رابطه انسانها و خدا می شود و نمی تواند برنامه ای برای نظام اجتماعی انسانها داشته باشد

۳- جدایی دین از علم: بدین معنا که اصولا مفاهیم و معارف دینی، مجموعه‌ای از معتقدات قلبی هستند که ارتباطی به جهان واقعی که همان عالم طبیعت است ندارند

ج ۱۲:

شعار اصلی ایشان آزادی، برابری و برادری است

ج ۱۳:

میرزا ملکم خان، اولین ایرانی است که به تأسیس لژ پرداخت، نام آن را فراموش خانه گذاشت و اندیشه های ماسونی را گسترش داد؛ به همین جهت، او را پدر منور الفکری ایران دانسته اند

ج ۱۴:

۱- بی ضابطه بودن ۲- خشونت

ج ۱۵:

۱- روشنفکران غیردینی: اینان روشنفکرانی هستند که گرچه ممکن است مخالف دین هم نباشند، اما اندیشه سیاسی و اجتماعی آنان ریشه دینی ندارد و از این جهت تابعی از روشنفکران اروپایی هستند.

۲- روشنفکران دینی کسانی هستند که دین را مبنای عمل و فعالیت اجتماعی خود قرار داده اند.

ج ۱۶:

۱- گسترش اندیشه های الحادی و ماتریالیستی در ایران و شکل دهی به جناح چپ روشنفکری در ایران ۲- مبارزه

علیه نهضت جنگل، ۳- مبارزه علیه شهید مدرس ۴- تلاش برای به دست آوردن امتیاز نفت شمال برای شوروی ۵-

خدمت به تجزیه طلبان آذربایجان و کردستان، ۶- پرهیز از حمله جدی به انگلیس به دلیل اتحاد آن با شوروی